روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۸ فروردین ۱۳۹۹ • ۲۲ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۶ آوریل ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۹۶ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۷ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

اتفاق

بازگشت فلامینگوها به دریاچه ارومیه

• اوضاع‌واحوال در دریاچه ارومیه امیدوارکننده به نظر می‌رسد. آمارها نشان می‌دهد حالا دریاچه ارومیه در بهترین شرایط ۱۰ سال گذشته قرار دارد و حداقل وضعیت به بدی سال ۹۲ نیست که سایه خشکی و مرگ بر دریاچه ارومیه سایه افکنده بود. در ادامه اخبار امیدوارکننده از بازگشت حیات به دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن خبر رسیده که فلامینگوها برای تخم‌گذاری به دریاچه ارومیه بازگشته‌اند. رئیس اداره حیات‌وحش اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی دراین‌باره گفت: تخم‌گذاری فلامینگوها در مناطق اقماری و دریاچه ارومیه آغاز شده که نوید خوبی برای رونق حضور و زندگی پرندگان و حیات‌وحش در این منطقه طی سال جاری است. امید یوسفی افزود: بازگشت فلامینگوها به دریاچه ارومیه از اواخر اسفندماه شروع شده و همچنان ادامه دارد که به‌تبع آن، تخم‌گذاری و آشیانه‌سازی آنها نیز تا پایان فصل بهار تداوم خواهد داشت. وی اظهار کرد: فلامینگوها تا آذرماه در دریاچه ارومیه حضور دارند و پس از آن به علت کمبود غذا و زمستان‌های سرد به مناطق گرمسیر جنوب کشور مهاجرت می‌کنند. وی ادامه داد: سال گذشته بین ۵۰ تا ۶۰

هزار فلامینگو به دریاچه ارومیه مهاجرت کردند که امسال نیز پیش‌بینی می‌شود به علت بارندگی‌های مطلوب، میزان مهاجرت به همین میزان باشد. وی با بیان اینکه فلامینگوها به دلیل امن‌بودن زمین‌های باتلاقی بیشتر در این مکان‌ها تخم‌گذاری می‌کنند، اظهار کرد: غذای این پرنده آرتمیا و حشرات ریز موجود در آب دریاچه ارومیه است و فلامینگوها به علت آبکش‌بودن شکل منقارشان می‌توانند به راحتی از حشرات ریز موجود در آب تغذیه کنند. رئیس اداره حیات‌وحش اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی گفت: تالاب‌های «سولدوز» و «حسنلو» در شهرستان نقده، کانی‌برازان در مهاباد و پارک ملی دریاچه ارومیه مهم‌ترین زیستگاه فلامینگوها در استان به شمار می‌روند.

کارتون خواب

جیتت کاستانا

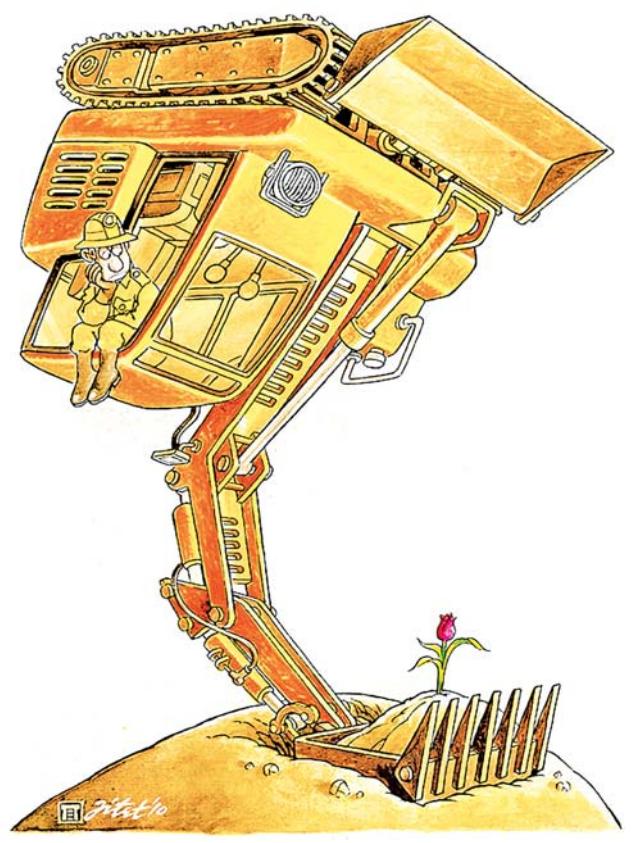

گزارش فردا

جان‌هایی که می‌رود، آهکی که می‌ماند

عکس: عباس کوثری، شرق

سامان موحدی‌راد: آب بارانی که از گورستان‌های شمال وارد رودخانه و بعد، شالیزار می‌شود باعث نازایی زنان می‌شود. مرده‌ها را در جعبه‌های فلزی دردار دفن می‌کنند. اگر کسی مُرد چون غسال‌ها جنازه را نمی‌شورند با همان لباس بیمارستان دفنش می‌کنند و روی جنازه هم آهک می‌ریزند. یک گودال هفت‌متری برای دفن‌کردن کرونایی‌ها حفر کرده‌اند و جنازه را در آن می‌اندازند. اینها بخشی از شایعاتی است که در دو ماه گذشته در جوامع محلی درباره آیین کفن‌ودفن قربانیان کرونا دهان‌به‌دهان می‌گردد. ناشناخته‌بودن کرونا برای خیلی از ما و نداشتن یک دستورالعمل واحد برای آن هم البته به این شایعات بیشتر از گذشته دامن می‌زد. البته در همان روزهای اول درگیری با کرونا ویدئوهای عجیب‌وغریبی منتشر می‌شد که این نگرانی‌ها را بیشتر و بیشتر هم می‌کرد. مانند همان ویدئوی معروف روزهای اولی که سه نفر خیلی ناشیانه قصد دارند جنازه‌ای را در گودالی عمیق دفن کنند و در نهایت جنازه با وضعیت نامناسبی به داخل قبر سقوط می‌کند. این ویدئو در کنار همه حرف‌هایی که دهان‌به‌دهان می‌گشت خیلی‌ها را نگران کرده بود؛ به‌ویژه اینکه در جامعه سنتی و مذهبی ایران به‌جاآوردن آیین مذهبی کفن‌ودفن برای بسیاری اهمیت بالایی دارد و تصور اینکه ممکن است جنازه‌ای بدون برگزاری آیین‌های مذهبی به خاک سپرده شود یا به‌گونه‌ای دفن شود که حرمت مرده رعایت نشود، برای خیلی‌ها پذیرفته‌شده نیست. همه اینها چالش‌هایی است که مردم در مناطق مختلف ایران با آن درگیر هستند. در مازندران هم که خیلی زود درگیر کرونا شد و جزء پنج استانی بود که خیلی زود وضعیتش قرمز شد چنین دغدغه‌هایی وجود دارد و بعضا منجر به ایجاد اختلافات محلی هم شده است. برای مثال تعیین محل دفن قربانیان کرونا یکی از موضوعات مورد مناقشه جوامع محلی بود. گرم‌شدن شایعات و تبدیل‌شدنش به باور عامه موجب می‌شد تا بعضا امکان تدفین قربانیان در آرامگاه‌های محلی وجود نداشته باشد. همچنین تعیین محل برای دفن تجمیعی قربانیان کرونایی هم گاهی به مشکلاتی برمی‌خورد. عباس کوثری، عکاس روزنامه «شرق»، چند روزی را در شهرهای مازندران سپری کرده و از تاثیر کرونا بر زندگی مردم عکاسی کرده است. بخشی از تصاویر تاثیرگذار او درباره آیین دفن جان‌باختگان کروناست. او با گروه‌های خودجوشی همراه شده که در روستاها ملزومات ضدعفونی توزیع می‌کردند، به بیمارستان‌ها و کادر درمانی موادغذایی و آبمیوه طبیعی و تازه می‌رساندند و همچنین امورات تدفین جان‌باختگان کرونا را انجام می‌دادند. کوثری می‌گوید در نبود کارگرهای غسالخانه نیروهای داوطلب محلی به‌خوبی حاضر شدند و از عهده کارها برآمدند. درست مثل فضایی که در سال‌های جنگ در کشور حاکم بود. در قائم‌شهر گورستان امامزاده اسماعیل به‌عنوان محل تدفین قربانیان کرونایی انتخاب شد. حسن خبیر، یک روحانی محلی است که به همراه دوستانش در این امامزاده به‌صورت خودجوش و داوطلبانه کار تغسیل و تکفین جان‌باختگان کرونا را انجام می‌دهد. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که در میان مردم محلی شایعات فراوانی درباره نحوه خاک‌سپاری بیماران کرونایی وجود دارد. او که به همراه یک گروه جهادی از آغاز تعطیلات عید تاکنون وظیفه شست‌وشو و دفن جان‌باختگان کرونایی را بر عهده گرفته است، می‌گوید که بارهاوبارها در جوامع روستایی اطراف قائم‌شهر با مردمی مواجه شده که تصور اغراق‌شده‌ای از دفن جان‌باختگان داشتند و با نشان‌دادن تصاویر موبایلش از فرایند کفن‌ودفن اجساد به آنها این اطمینان را داده که شایعات دروغی بیش نیست. رهاکردن اجساد، دفن جسد با لباس بیمارستان، دفن با تابوت، تدفین بدون غسل و اقامه نماز میت مهم‌ترین شایعاتی است که در جوامع محلی و عمدتا سنتی و مذهبی ایران رایج است. علاوه بر این شایعاتی درباره اثرات بعدی دفن جنازه بر زیست مردم بومی هم از دیگر موضوعاتی است که موجب شد تا در برخی جوامع محلی در شمال ایران اختلاف‌هایی بر سر محل دفن بیماران کرونایی دربگیرد. چنانچه در برخی مناطق شایع شده که دفن متوفی در گورستان نزدیک محل زندگی می‌تواند منجر به نازایی بشود. آقای خبیر در این زمینه می‌گوید که در قائم‌شهر یک مکان را برای دفن بیماران کرونایی در نظر گرفته‌اند و جان‌باختگان را به گورستان امامزاده اسماعیل این شهر انتقال می‌دهند تا او و دوستانش که در یک گروه جهادی مسئولیت تدفین اموات را بر عهده گرفته‌اند کارهای تغسیل و تکفین متوفی را انجام دهند. آنچنان که آقای خبیر می‌گوید از روز سیزدهم فروردین تاکنون روزانه و به‌صورت متوسط سه جنازه مبتلا به کرونا به این گورستان انتقال داده می‌شود تا آداب دفنش انجام شود.

یکی از چالشی‌ترین موضوعات مرتبط با آداب دفن جان‌باختگان کرونا در ایران موضوع غسل میت و شست‌وشوی اجساد است. اجساد بیماران مبتلا به کرونا به دستور مراجع تقلید در ماه نخست مبارزه با کرونا با رعایت اصول بهداشتی به صورت تیمم تطهیر می‌شدند اما از شانزدهم فروردین که با اعلام وزارت بهداشت غسل این اجساد با آب بلامانع اعلام شده کار شست‌وشو و تغسیل اجساد هم شروع شد. از اینجا بود که در شهرهای مختلف گروه‌هایی برای انجام آیین تغسیل و تکفین اجساد پیش‌قدم شدند. اگرچه ایرج حریرچی پیش‌تر گفته بود که متوفیان در ایران عینا مطابق پروتکل‌های سازمان جهانی بهداشت دفن می‌شوند اما گزارش‌ها از مناطق مختلف ایران نشان می‌دهد در همه‌جا همه پروتکل‌ها رعایت نمی‌شود. آقای خبیر درباره اینکه آیا آداب تدفین این اجساد با سایر اجساد تفاوت دارد یا نه می‌گوید که چنین نیست و همه آیین‌های لازم برای آنها هم رعایت می‌شود. او می‌گوید که فقط قبر متوفی‌های کرونایی عمیق‌تر کنده می‌شود و سطح داخلی آن با آهک پوشانده می‌شود و در سایر موارد تفاوتی میان این اجساد و سایر اجساد نیست. ریختن آهک آنچنان که اعلام شده برای جلوگیری از انتقال آلودگی به طبیعت است و به‌هیچ‌وجه روی اجساد آهک ریخته نمی‌شود، بلکه تنها سطح داخلی قبر آهک‌اندود می‌شود. او می‌گوید که در برخی موارد اگر خانواده جان‌باختگان هم بخواهند می‌توانند با پوشیدن لباس مخصوص داخل قبر رفته و خودشان آیین را بجا بیاورند، ولی در بیشتر موارد این وظیفه ازسوی خانواده متوفی به او و دوستانش واگذار شده است. هم‌زمان با گسترش کرونا در ایران گروه‌های مختلفی به عنوان صف اول تماس با این ویروس معرفی شدند که کادر درمانی بیمارستان‌ها از مهم‌ترین موارد آنها بودند. کارگران غسالخانه‌ها هم در ردیف همین مواجهه و درگیری با کرونا هستند. سختی کار ناشی از این مواجهه موجب شد تا برخی کارگرها از ادامه فعالیت در غسالخانه‌ها سر باز بزنند. آقای خبیر دراین‌باره می‌گوید علت پیش‌قدم‌شدن او و دوستانش نیازی بود که در منطقه احساس می‌شد و لازم بود به آن پاسخ داده شود.

تکلیف و واقعه

عیار نظریه داروینیسم اخلاقی

علی ورامینی

در میان نظریه‌هایی که به خاستگاه اخلاق می‌پردازند، نام یک نظریه داروینیسم اخلاقی است که اقبال خوبی هم میان فیلسوفان اخلاق دارد. در این نظریه خاستگاه اخلاق سرشت انسان نیست که به میانجی رانه‌هایی میل به اخلاق کند بلکه ضرورت تأسیس اخلاق از بیرون انسان آمده است. به این معنا که نوع بشر به این نتیجه می‌رسد که برای استمرار بقایش باید نهادی به‌نام اخلاق تأسیس شود و اگر چنین نهاد هنجارگذاری نباشد، انسان از بین خواهد رفت. طبیعتا این نهاد هنجارگذار هم مانند دیگر نهادها در طول تاریخ دستخوش تحولات، پیشرفت و حتی نقدهای بن‌برافکنانه (مانند آنچه در آثار نیچه می‌خوانیم) شده است، اما به هر شکل راه خود را رفته و حتی در نهادهای هنجارگذار دیگری مانند حقوق، مذهب و عرف هم تأثیر گذاشته است. در علوم انسانی نظریه‌ها و گزاره‌ها سوای اینکه مستقلا باید انسجام منطقی داشته باشند، عیارشان در طول تاریخ و در وضعیت‌های گونان مورد سنجه قرار می‌گیرد.

یکی از وضعیت‌هایی که عیار هر چیزی را می‌تواند نشان دهد، وضعیت‌های استثنائی است؛ مانند آنچه جهان کرونازده امروز با آن روبه‌رو است. مشخصا در اینجا عیار نظریه داروینیسم اخلاقی هم کم‌وبیش مشخص شد؛ اینکه نوع بشر در یک توافق نانوشته و ناخودآگاه به‌صورت جمعی قواعدی را رعایت می‌کند و بخشی از میل‌های خود را سرکوب می‌کند تا بتواند استمرار داشته باشد. وقتی در شرایط بحرانی رعایت این قواعد که نامش را اخلاق گذاشته‌اند حیات فردی‌شان را دچار تهدید کند یا حداقل به‌صورت ذهنی دچار تهدید کند، بلافاصله آن را نادیده خواهند گرفت. این را ما هم در شرق و هم در غرب به‌عنوان سردمدار تمدن جدید که مایه فخر هم می‌دانندش دیدیم. جهان و به‌ویژه همان غرب نشان داد که میان این وضعیت مدرنِ عقلانی- اخلاقی تا وضعیت طبیعی هابزی تنها یک بحران (یا حتی احساس بحران) فاصله دارد. نه فقط صحنه‌های زدوخورد برای دستمال‌کاغذی، صف‌های طویل خرید یا ماجرای دهشتناک آسایشگاه سالمندان در کانادا، بلکه اخراج فله‌ای ابَرکمپانی‌های بزرگی مانند بریتیش‌ایر این را نشان داد. نشان داد که اخلاق پساسرمایه‌داری (نه اخلاق پروتستانی که به قول وبر منجر به روحیه سرمایه‌داری می‌شود) تابِ چند وقتی کمتر سودکردن را ندارند. اگر از اقتصاددان‌های طرفدار این نظم بپرسید چرا چنین می‌کنند؟ هزار آسمان‌وریسمان می‌بافند که اگر نشود شرکت کلا فرومی‌پاشد، بی‌کاری بیشتر می‌شود و... اما یک سؤال اساسی را جواب نمی‌دهند چگونه یک ایرلاینی بیش از ۵۰ سال هر روز، با حداکثر مسافر مشغول فعالیت بوده و سود روی سود گذاشته اما سر بزنگاهی توانِ پرداخت چند ماه حقوق کارمندان را ولو به ضرر ندارد؟ یا خیلی ساده مانند شیرینی‌فروش محل ما چندماهی توان از جیب‌خوردن را ندارد؟ در خود ایران ما، چگونه بیمارستانی خصوصی دو دهه با بالاترین تعرفه‌ها آن‌قدر سود می‌کند که فقط در یکی از سرمایه‌گذاری‌هایش در حال ساخت یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های ایران است، اما نمی‌تواند چند ماه (تا برگشت همه آنانی که می‌خواهند خدمات کازماتیک پزشکی بگیرند) صبر کند و با سود کمتر در بدترین شرایط اقتصادی آن همه انسان را به معضل مضاعف دچار نکند؟ یا شرکت‌های پرمدعای دیگری که سال‌هاست از فرودگاه تا خانه بیلبوردهایشان را می‌بینیم و همیشه در هنگام تشویق کارآفرینان ازسوی دولتی‌ها در صف اول نشسته‌اند، کرونا به ماه نکشیده ۲۰۰ نیرو (بخوانید آدمی که برای حیاتش به کار و درآمد نیاز دارد) را اخراج می‌کنند. اینها را بگذارید کنار هزاران رفتار ریزودرشت دیگری که از قیمت ماسک در سایت آمازون شامل می‌شود تا قیمت لیموترش و زنجبیل در بازار میوه خودمان. تا اینجای کار هرکسی که در این بحران روسیاه شده است، هر نظریه‌ای که نمره ردی گرفته است، اما اوضاع نظریه داروینیسم اخلاقی خوب است. وضعیت استثنائی به آنان که شاید تا به حال شک داشتند نشان داد که همه هنجارها و خصوصا اخلاق تا پیش از تهدید اعتبار دارد؛ تهدید حیات در ابتدا و بعد از آن تهدید سود.